

[مقدمه واجب 1](#_Toc21511417)

[واجب مشروط 1](#_Toc21511418)

[خلاصه مباحث رجوع قید به هیئت و یا ماده در جمله شرطیه 1](#_Toc21511419)

[خروج مقدمات طرف تعلیق از ثمره بحث 2](#_Toc21511420)

[ثمره بحث در مقدمات غیر طرف تعلیق 3](#_Toc21511421)

[توسعه ثمره بحث به اراده 4](#_Toc21511422)

[تذنیب: اطلاق مجازی و حقیقی واجب در واجب مشروط 4](#_Toc21511423)

**موضوع**: رجوع قید به هیئت یا ماده /واجب مشروط /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

این جلسه حاوی مطالب جلسه گذشته است. لذا از نوشتن خلاصه نویسی خودداری شده است.

# مقدمه واجب

## واجب مشروط

### خلاصه مباحث رجوع قید به هیئت و یا ماده در جمله شرطیه

در مورد رجوع قید به هیئت یا ماده در واجب مشروط، اقوالی وجود داشت. به نظر ما ظاهر جمله شرطیه این است که قید به هیئت رجوع کند و دلیلی بر خلاف این ظاهر نداریم. نه از ناحیه اثبات( حرفی بودن( طبق تعبیر مرحوم شیخ) و آلی بودن( طبق تعبیر مرحوم نائینی) معنای هیئت) دلیلی بر این ادعا بود و نه از ناحیه ثبوت( رجوع قید به ماده بالوجدان) هم دلیلی بر اثبات این ادعا نبود.

بعضی گفتند: هر چند که وجوب الان نیست ولی اراده بر طبق مشروط، بالفعل وجود دارد. مرحوم نائینی این مطلب را دنبال کرد و فرمود دلیل دوم مرحوم شیخ نیز ناظر به این مطلب است.

مرحوم آغا ضیاء فرمود: وجوب الان فعلیت دارد ولی یک معنای خاصی دارد. دلیل این مطلب اولا وجدان بود که به نظر ما وجدان این مطلب را اثبات نمی­کند. یک دلیل هم برهان مرحوم آغا ضیاء بود.ایشان فرمود اراده تابع علم است که از آن جواب دادیم.

علاوه بر این، قیاس اراده به علم قیاس درستی نیست. مثلا من الان علم به ملاک عند الاستطاعه خارجی دارد. در این جا اساسا علم منوط نیست بلکه از اول ضیق است. ما نتوانستیم فعلیت اراده که مرحوم نائینی ادعا می­کرد و نه فعلیت اراده منوطه و نه تبعیت اراده از علم که مرحوم آغا ضیاء فرمود.

تکرار این نکته لازم است که بحث ما در جایی است که فعل الان ملاک ندارد. مثلا حج در حال حاضر ملاک لزومی ندارد. لذا مشروط شده است. مرحوم نائینی و آغا ضیاء می­گویند در حال حاضر اراده بالفعل است. اگر ملاک باشد بحثی وجود ندارد که اراده وجود دارد. مثلا کسی اراده تزویج دارد و ملاک دارد ولی هنوز شرائط مهیا نیست. در این جا اراده فعلی است هر چند تحقق آن بعدا است. یا مثلا دخول در بهشت ملاک دارد و ملائم طبع است ولی این فعل در آینده وجود دارد، ولی آلان ملاک وجود دارد.

لذا اشکال نشود که در جایی که ملاک فعلیت دارد و فعل در آینده محقق می­شود، اراده وجود دارد. بحث این است که در جایی که هنوز شرط اتصاف به وجوب محقق نشده است، آیا اراده وجود دارد یا نه؟

به نظر ما وجدان، حاکم به عدم فعلیت اراده است و ظاهر خطات همان مطلبی است که مشهور می­گویند. یعنی وجوب مشروط به شرط شده است. ظاهر خطاباتی که متکفل واجب مشروط هستند، مفادشان تعلیق وجوب به شرط است. اگر شرط نباشد وجوبی در کار نیست.

### خروج مقدمات طرف تعلیق از ثمره بحث

ثمره این بحث در مقدماتی ظاهر می­شود که طرف تعلیق نیستند. شرائطی که طرف تعلیق هستند بلا اشکال وجوب ندارد. قبلا مرحوم آخوند نامش را مقدمات وجوبیه می­گذاشت. هر چند که اسمش را عوض کنیم و بگوییم شرائط وجودیه هستند، باز هم وجوب ندارد.

مرحوم آخوند فرموده است: مقدمه ای که شرط اخذ شده است وجوب تحصیل ندارد. اما بنا بر این که شرط وجوب باشد، خود شارع فرموده است که قبل از تحقق شرط، ذی المقدمه وجوب ندارد، پس مقدمه وجوب ندارد و اگر شرط محقق شد که دیگر طلب حاصل است چون شرط محقق شده است. بنا بر این، علی ای تقدیر مقدماتی که به صورت شرط اخذ شده­اند، وجوب ندارند.

### ثمره بحث در مقدمات غیر طرف تعلیق

مرحوم شیخ فرمود: وجوب فعلی است یا مرحوم نائینی و مرحوم آغا ضیاء فرمودند: اراده فعلی است، لازمه اش این است که تحصیل قید لازم باشد. امر به مقید با تحصیل قید ملازمه دارد. مرحوم آخوند فرمود حتی بر این مبنا قید تحصلیش واجب نیست. چون هر چند که قید به ماده رجوع می­کند، ولی قیدی که واجب التحصیل نیست، تحصلیش لازم نیست. ما باید ببینیم که قید چگونه اخذ شده است؟ اگر قید بما هو قید اخذ شده است مثلا گفته است نماز با طهارت واجب است باید قید تحصیل شود چون از ما مقید را بدون هیچ خصوصیتی خواسته است.. اگر مولا گفته است: مقید به این قید رامی­خواهم، اما این گونه باشد که قید خودش حاصل شد، تحصیلش واجب نیست. زیرا خود شارع فرمود تحصیلش واجب نیست. اساسا اگر تحصیلش واجب باشد ،خلف است. پس در واجب مشروط بنا بر رجوع قید به ماده، همیشه قید بنا بر سبیل اتفاق اخذ شده است. مثلا حج مقید به استطاعت اتفاقیه واجب شده است. در این جا تحصیلش واجب نیست.

بر مبنای قضیه حینیه که واضح تر است. یعنی دیگر توجیه اتفاقیه لازم نیست. بنا بر تفسیر کلام شیخ به ماده منتسبه، اساسا ماده تقید ندارد بلکه ماده را در آن حال دیده است. یعنی چیزی که تحصیلش واجب است، قید واجب است و در حقیقت قید نیست. مثلا حج را در حال استطاعت دیده است واجب کرده است. دیده مولا که واجب التحصیل نیست. حل مشکل بنا بر این تفسیر واضحتر است.

بعضی مناقشه کردند به کلام مرحوم آخوند، قید علی سبیل الاتفاق که واجب نیست. اگر ما کلام مرحوم شیخ را مثل مرحوم آخوند معنا کنیم از این اشکال خلاصی نداریم. زیرا اگر قید است پس خارج است ولی حصه که واجب است پس تحصیلش واجب است.

اما توجیه مرحوم آخوند درست است. این امور، امور اعتباری هستند. هر چند که امر به حصه تعلق گرفته است اما خودش گفته است که قید حصه لازم نیست تحصیل بشود. مثلا حجی را می­خواهم که مقارن با استطاعت باشد و قید استطاعت واجب التحصیل نیست.

نسبت به سائر قیود( مثلا گرفتن گذر نامه برای رفتن به حج) هم مرحوم آخوند گفته است، واجب هستند. زیرا بنا بر این که ملازمه بین ذی المقدمه و مقدمه باشد، مقدمه هم واجب است. اما واجب هستند به وجوب مشروط. چون ذی المقدمه وجوب مشروط دارد. تابعیت مقدمه از ذی المقدمه، در اصل و خصوصیت است. اما بنا بر آن چه به مرحوم شیخ نسبت داده شده است، به حکم تبعیت مقدمات وجودیه فعلا واجب است. ثمره اختلاف در این جا ظاهر می­شود. مرحوم نائینی و مرحوم آغا ضیاء می­فرمایند اراده فعلیت دارد.

#### توسعه ثمره بحث به اراده

اصل داستان وجوب مقدمه را مرحوم آخوند به اراده برگردانده است. اصلا دلیل ملازمه در نظر مثل مرحوم آخوند در اراده مطرح شده است و در روح حکم محقق شده است. دلیل وجوب تحصیل مقدمات همان اراده است. لذا مرحوم آخوند فرموده است: اذا اراد المولا ذی المقدمه و التفت ...... فیرید... لذا مهم نیست که وجوب باشد یا نه. همین که اراده باشد کفایت می­کند.

این که در منتقی الاصول فرموده است وجوب مقدمه ربطی به اراده ندارد درست نیست اساسا مخ وجوب، همان اراده است. دو چیز واجب الامتثال است. یکی چیزی است که شارع آن را و اجب کرده است و یکی چیزی است که مولا به آن اراده دارد. بنا بر مبنای مرحوم نائینی می­گوییم: اگر ملازمه باشد، شارع مقدمات را اراده کرده است.

ما ادعای مرحوم آخوند نسبت به ثمره را توسعه دادیم و در اراده نیز جاری است. اگر ملازمه باشد اراده شرعیه به مقدمات هم تعلق گرفته است.

پس: اگر قائل به ملازمه باشیم، اگر قائل به ملازمه در وجوب باشیم، قائل به وجوب مقدمات هستیم. اگر قائل به اراده باشیم، قائل به اراده شرعیه هستیم.

بحث وجوب تعلم را در بحث اشتغال بحث می­کنیم.

### تذنیب: اطلاق مجازی و حقیقی واجب در واجب مشروط

مرحوم آخوند می­فرماید[[1]](#footnote-1): اطلاق واجب( قبل از تحقق شرط) بر واجب مشروط حقیقت است یا مجاز است؟ این مطلب در حقیقت یکی از ثمرات است. بر مبنای مرحوم شیخ كه شرط و قيد را به مادّه و واجب ارجاع مى‏داد و اصل وجوب حج را مقيّد به چيزى نمى‏دانست و معتقد بود كه پيش از حصول شرط نيز اصل امر و تكليف و وجوب حاصل است باز اطلاق حقيقى است؛ زيرا حج واقعا امر دارد و متعلّق‏ طلب و وجوب است. اصل وجوب، فعلى و حالى است؛ اگرچه واجب و عمل استقبالى و در آينده و سپس از حصول شرط باشد؛ولى بر مبناى مشهور اين اطلاق يك اطلاق مجازى است، چرا كه شرط به اصل وجوب ارتباط دارد و تا شرط حاصل نشده اصلا وجوب و تكليفى نيست و عمل متعلّق امر واقع نشده تا بتوانيم نامش را حقيقتا واجب بگذاريم. اگر بر واجب مشروط قبل از حصول شرط اطلاق واجب كنيم، از باب مجاز خواهد بود. چنانكه شيخ بهائى فرموده است: اطلاق لفظ واجب بر واجب مشروط مجاز است‏ و قرينه مجاز هم علاقه اول يا مشارفت است.

قرینه اول و مشارفت نیاز به توضیح دارد که در جلسه آینده تتمه این بحث خواهد آمد.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص100.](http://lib.eshia.ir/27004/1/100/تذنیب) [↑](#footnote-ref-1)